

نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن

دکتر محمد حسن زمانی* (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)
علی قانع‌ای اردکانی* (دانشجوی دکتری تفسیر و علوم قرآن)

چکیده

یکی از مباحث ارزشمند در علوم قرآنی، مسأله تناسب آیات قرآن و چهره پیوسته آنها با یکدیگر است. این تناسب و ارتباط در واژگان قرآنی، درون آیه‌ای و آیات یک سوره نمایان است. گفتگو از تناسب و همبستگی آیات قرآن و اسلوب آن، بحثی است زیربنایی که در نحوه نگرش ما به قرآن و چگونگی برداشت از محتوای آن تأثیر بسزایی دارد. شبهه تشبیه و پراکندگی آیات از ناحیه مستشرقان مطرح شده است. اما به رغم اینکه آیات سوره‌های قرآن به ظاهر پراکنده و هر یک مشتمل بر موضوعات متفاوت است، با توجه به احاطه علمی، حکمت و هدف‌داری خداوند، متن قرآن دارای هم‌گرایی موضوعی و محتوایی در راستای هدف تربیتی و هدایتی خویش است و عناصر محتوایی قرآن همانند اجزای یک ساختمان به هم پیوسته و ناظر به یکدیگر است. این مقاله با بیان برخی از شبهات مستشرقان مثل رژی بلاشر، ریچارد بل، نولدکه و ... در موضوع تناسب آیات به بررسی و نقد آنها پرداخته و روشن ساخته که عدم تفکیک سبک گفتاری قرآن از سبک نوشتاری و عدم توجه به ظرافت‌های هنری قرآن و تنوع موضوعی قرآن در راستای هدایت و تربیت، موجب اینگونه اشکالات مستشرقان شده است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، مستشرقان، تناسب آیات، نظم قرآن، اسلوب قرآن.

مقدمه

قرآن کریم نخستین و مهم‌ترین منبع آیین جهانی اسلام و معجزه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله از دیرباز مورد توجه مستشرقان بوده است. در این میان، برخی از مستشرقان که درک درستی تناسب و هماهنگی دقیق آیات و اعجاز آن را به دست آوردند و به الهی بودن و حقانیت قرآن و پیامبری حضرت محمد صلی الله علیه و آله دست یافتند، اما گروهی دیگر با انگیزه‌های مختلف سیمای ناب قرآن کریم را در شکل‌های گوناگون آن ناموجه جلوه دادند. در اینجا نخست به بیان شبهات مستشرقان در موضوع تناسب آیات اشاره نموده، آنگاه به بررسی و نقد آنها می‌پردازیم. در پایان علل پراکندگی ظاهری آیات را بیان می‌کنیم.

۱. رژی بلاشر (۱۹۰۰م)

بلاشر در ۳۰ ژوئن سال ۱۹۰۰م در ناحیه مونروژ (پاریس) به دنیا آمد. بلاشر در کتاب «در آستانه قرآن»، یکی از مشکلات مستشرقان را روبه‌رو شدن با سبک و روش درهم وحی [قرآنی] دانسته و می‌نویسد: «مستشرق بر اثر روش درهم وحی که در آن شورهای محرک اخلاقی و مقررات قضایی و داستان‌های دینی وجود دارد ولی در آنها فکر در تلاش یافتن رابطه‌ای است که اصلاً وجود ندارد، به کلی مسیر اصلی خود را از دست می‌دهد» (بلاشر، در آستانه قرآن، ۳۰۱).

وی در جایی دیگر، ناهماهنگی در پاره‌ای از آیات را پذیرفته و می‌گوید: «آیات قرآن یک سلسله دستورالعمل‌هایی است که در مدت بیست سال بنا بر ضرورت و به مقتضای حوادثی که بر محمد صلی الله علیه و آله گذشت، به حضرتش نازل گردید. این آیات همگی از وحدت و تناسب روانشناسانه تاریخی بهره‌مند است. به علاوه عدم تناسب و ناهماهنگی ظاهری پاره‌ای از آیات در سوره‌های مطول قرآن، نظیر سوره دوم (بقره) و شش یا هفت سوره دنبال آن با مراجعه به فهرست نولدکه که بی‌آنکه کوشش زیادی به عمل آوریم، ما را به نوعی تناسب و هماهنگی واقف می‌سازد و به این نتیجه می‌رساند که این شیوه گفتگو از نظر تدوین قانون الهی از اهمیت فراوان برخوردار است و در مجموع کاری به سود اسلام صورت یافته و به ناتوانی مخالفان انجامیده است» (بلاشر، در آمدی بر قرآن، ۵۲ و ۸۴-۸۵). این شبهه بلاشر بر قرآن، بارها از سوی دیگر مستشرقان مانند کارلایل بیان شده است و تقریباً شبهه عمومی مستشرقان در این بحث است که همه ناشی از عدم توجه به نظام خاص «متن کتاب آسمانی» و نحوه «جمع آوری و تدوین قرآن» است.

۲. تئودور نولدکه (ت ۱۸۳۶م)

نولدکه، مستشرق آلمانی، در مقاله خود در دایرة المعارف بریتانیکا ذیل ماده «قرآن» می‌نویسد: «با اینکه این کتاب از جنبه زیبایی و هنری در مقام اول است، اما ربط ضروری، چه در تعبیر یا در تسلسل حوادث، بیشتر مواقع در آن مفقود است» (نولدکه، ماده قرآن در Ency, Brit. Edition, 11؛ علی الصغیر المستشرقون والدراسات القرآنیة، ۲۴-۲۵؛ همو، خاورشناسان و پژوهش‌های قرآنی، ۳۷-۳۹، مجله رسالۃ الاسلام، سال ۹، ش ۱، ص ۶۴؛ بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۳۷۸). وی در ادامه، ساختار قرآن کریم را بدین اعتبار که ساختار قصصی و فاقد تسلسل در طریقه اخبار و سیر است، مورد انتقاد قرار داده، می‌گوید: «قصص قرآن از هم گسسته است تا آنجا که فهم آنها بر کسی که این قصه‌ها را از منابع دیگر اخذ نکرده باشد، دشوار می‌نماید (همان). هم‌چنین او تکرار برخی از الفاظ و عباراتی را که در نظرش ناموجه می‌نماید، مورد انتقاد قرار داده است. نولدکه به کثرت انتقال قرآن در خطاب‌هایش از صیغه‌ای به صیغه دیگر و از حالتی به حالت دیگر (مثلاً از غیبت به خطاب و از ظاهر به مضمون) اشاره کرده و این امر را برای خرده گرفتن از قرآن مغتنم شمرده است (همان).

۳. ریچارد بل (Richard Bell, 1913-1982)

ریچارد بل، مستشرق اروپایی و کسی که ترجمه‌ای تفسیری را از قرآن به انگلیسی به عمل آورده، از ناپیوستگی قرآن سخن گفته و برای آن دلیل تاریخی ذکر کرده است. وی در مقدمه ترجمه خود بر قرآن می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های اصیل سبک قرآن این است که جسته جسته است. به ندرت می‌توان در طول بخش عمده‌ای از یک سوره، اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد» (خرمشاهی، ذهن و زبان حافظ، ۴۵).

او با تفاوت قایل شدن بین داستان‌های انبیای سلف و آیات دیگر قرآنی می‌گوید: «در میان سوره‌هایی که به داستان‌های انبیای سلف مربوط است، این ارتباط و پیوند بالنسبه بیشتر است، هر چند در آنها نیز گسستگی کم نیست ولی یکپارچه‌ترین این گونه سوره‌ها - که به داستان انبیا مربوط است و اتساق بیشتری دارد - سوره یوسف است» (خرمشاهی، ذهن و زبان حافظ، ۴۵).

وی در جایی دیگر با گفتاری انتقادآمیز نسبت به متن قرآن، ارتباط بین اجزای قرآن را بسیار کم و کلمات و عبارات آن را حیرت‌انگیز می‌داند. وی معتقد است روابط بین

بیشتر فقرات و مطالب آن، مقطوع و دلایل منطقی نیز اکثراً غیر مذکور است و علت آن شاید این باشد که قرآن به طور متوالی و طبق پیش آمد و احتیاجات وقت بر پیغمبر نازل شده است. پاره‌ای آیات که در بعضی سوره‌ها نوشته شده است، کم و بیش به شکل اتفاقی در ذیل سوره‌های دیگر به وسیله جمع‌کنندگان ضمیمه گردیده است» (سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ۴۴).

ریچارد بل در باب ویژگی سبک قرآن می‌گوید: «در بعضی عبارات، تلفیقی از همنوایی‌ها وجود دارد؛ همچنان که به عکس غالباً در همنوایی‌های مکرر و منظم، عدم تقارن و فقدان قراین مکرر هم دیده می‌شود. این واقعیت‌های زبانی و سبکی قرآنی را به نحو دیگر هم می‌توان تبیین کرد.

در سوره‌های بلند با تنوع موضوع مواجه‌ایم. در عین حال، عبارات متعدد به یک موضوع (فی المثل قواعد و احکام طلاق در آیات ۲۲۸-۲۳۲ سوره بقره)، اختصاص دارد. به نظر نمی‌رسد که هیچ موضوعی از این گونه موضوعات [فقهی] به نحو منسجم و در سوره واحد یا آیات و عبارات کافی در یکجا مطرح گردد. و بر عکس غالباً با این پدیده مواجه‌ایم که یک سوره دارای عبارات و آیاتی است که به موضوعات متعدد می‌پردازد و هر موضوعی از موضوعات آن در چند سوره مختلف مکرر بیان می‌شود. قرآن خود در آیات ۱۰۶ نحل و ۳۲ فرقان تصریح دارد که در قطعات جداگانه فرود آمده است.

آیات ۱۷۸-۱۷۹ بقره با قصاص ربط دارد، ولی در عین حال، خطابی هم با مؤمنان دارد و به مسائل دیگر هم می‌پردازد که ضرورتاً با آنها ربط ندارد. همچنین آیه ۱۱ سوره مائده، اگر زمینه اشاره‌اش را بدانیم، فی نفسه مستقل و روشن است ولی اگر چنین آیه‌ای در این سوره نبود، ما متوجه نمی‌شدیم که در آن چیزی افتاده است» (بل - وات، درآمدی بر تاریخ قرآن، ۱۱۵-۱۱۹).

در نهایت، ریچارد بل به این مطلب اذعان دارد که البته حکم قاطع و افراطی نباید کرد که هیچ گونه ربط و پیوندی بین این قطعات مستقل وجود ندارد، چه بسا پیوندی از لحاظ موضوع یا اندیشه هست و اگر این پیوندها هم نباشد، پیوند و همسانی زمانی در کار است. از سوی دیگر، ممکن است بین قطعات پیوسته به هم، ربط محتوایی یا فکری نباشد یا ممکن است سوره متشکل از قطعاتی متعلق به زمان‌های نزول مختلف باشد که [به دستور حضرت رسول ﷺ] در درون یک سوره، در کنار هم قرار گرفته‌اند.

همانند این اعتراف را بل در جایی دیگر دارد و می‌گویند: «...البته از این نکته نباید عجلانه استنباط کرد که بین بخش‌های جداگانه یک سوره، ربط و پیوندی نیست. گاهی ممکن است این ربط، ربط موضوعی و معنوی باشد و حتی در مواردی که چنین ربطی مشهود نباشد، به هر حال، نوعی هم‌زمانی و هم‌فضایی با یک‌دیگر دارند. از طرف دیگر، چه بسا بین بخش‌های مجاور هم ارتباط معنایی برقرار نیست یا گاهی ممکن است سوره از بخش‌هایی تشکیل یافته باشد که از نظر زمان و فضا با همدیگر فرق داشته باشند و همه چیز زیر چتر یک سوره واحد گرد آمده باشد» (خرمشاهی، ذهن و زبان حافظ، ۴۶).

۴. فریتیوف شوان

فریتیوف شوان در کتاب «فهم حقایق اسلام» درباره اسلوب قرآن می‌نویسد: «اگر از بیرون [به قرآن] نگریسته شود، این کتاب - به جز تقریباً ربع آخرش که شیوه‌اش به شدت شاعرانه است - مجموعه‌ای از اقوال یا قصص که کم یا بیش بی‌ارتباط و بی‌تناسب و در بادی امر در بعضی از موارد نامفهوم است، می‌نماید.

خواننده‌ای که از پیش آگاهی نداشته باشد اعم از اینکه ترجمه یا خود متن را بخواند با ابهام‌ها، تکرارها، همانگویی‌ها و در بسیاری از سوره‌های بلند با خشکی خاصی مواجه می‌شود، بی‌آنکه لااقل حتی از حظّ حسّی و تسلاّی استحسانی که از زیبایی اصوات و ترتیل و تغنی صحیح آن بر می‌خیزد، بهره‌مند باشد. ولی این گونه دشواری‌ها به میزانی در بسیاری از کتب مقدس وجود دارد. بی‌انسجامی ظاهری این سطح نامنسجم‌زبانی قرآن است... گویی زبان مفلوک و شکسته بسته بشر فانی، زیر سیطره و فشار هائل کلام آسمانی به هزاران تکه تقسیم شده است. یا گویی خداوند برای آنکه هزاران حقیقت را بیان کند جز مشتی کلمات در اختیار نداشته و ناگزیر بوده از اشارات و تلویحات استفاده کند که سرشار از معنا، التفات، تغییر لحن و خطاب، اختصار و ایجاز و تغایر کنایی است» (همان، ۵۱ - ۵۲).

۵. آندره دوریر (Andre du Rey)

دوریر از اهالی بورکن فرانسه بود و ترجمه‌ای عوامانه و سطحی از قرآن منتشر نمود. وی در مدت اقامت طولانی خود در شرق به انجام این کار پرداخت، ولی به علت نقص اطلاعات چنان که شاید و باید از عهده بر نیامد.

ترجمه قرآن او در سال ۱۶۴۷ در پاریس با عنوان «Alcoron de Mahometc» منتشر شد. این کتاب با وضع بی سابقه‌ای مورد توجه مردم قرار گرفت و در مدت کمی کمیاب شد؛ زیرا در این زمان مذهب اسلام حائز اهمیت بسیار بود. این کتاب در یک سال پنج بار چاپ گردید. دوریر در این کتاب با الفاظی زشت و مناسب با شأن خود و با خطاب قرار دادن خواننده مسیحی، آیات قرآنی را خشن، گفتارهای نامناسب و... می‌داند و می‌گوید: «تو ای خواننده مسیحی! قرآن را بسیار خشن و مملو از تهدید و تنبیه و عذاب و عقاب خواهی یافت و نیز حاوی مطالب متباین، مملو از تناقضات و ناسازها و گفتارهای نامناسب و افسانه‌های مسخره‌آمیز خواهی دید (سلماسی زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ۱۸؛ آبروی، خدمت و خیانت مترجمان قرآن، نقدی بر عملکرد مترجمان اروپایی، ۳۴).

۶. توماس کارلایل (Thomas Carlyle)

توماس کارلایل بر پایه ترجمه جورج سیل از قرآن و با تأثیرپذیری از آن، چنین اظهار نظر کرده است: «من تا کنون کتابی چنین دشوار و پرزحمت در زندگی‌ام ندیده‌ام. انسان در حال خواندن آن هر قدر هم که دقیق باشد، مطالب را با یک‌دیگر اشتباه می‌کند. به طور خلاصه، کتابی است ملال‌آور، درهم برهم و گیج‌کننده، ناتمام، بی نظم و بی قید و خام و ناهنجار. اما هیچ چیز جز حس وظیفه‌شناسی نمی‌تواند یک اروپایی را به تفکر و اندیشه در قرآن جلب کند» (همان، ۵۰ - ۵۱).

۷. مولر (D.H.Muller)

بنا به گزارش ریچارد بل، مولر (D.H.Muller, Die Propheten ihrer ursprunglichen) در صدد اثبات این نکته بر آمده که انشای تراژدی‌های یونانی دارای انشای ترجیع‌دار است. او از قرآن شواهدی استخراج کرده که مؤید این نظر است؛ برای نمونه، در سوره واقعه اگر از ترجیع سخن می‌گوییم، طبق دیدگاه مولر باید انتظار انتظام در طول و آرایش ترجیع داشته باشیم. ولی وی در اثبات وجود این انتظام‌ها ناکام مانده است. شواهد او نشان می‌دهد که بسیاری از سوره‌های قرآن دارای بخش‌ها یا بندهای کوتاه هست. طول هر یک از آنها با ملاحظات صوری و لفظی، بلکه با نظر به معنا و مضمون هر یک تعیین شده است.

با این برداشت، مباحثه مولر به خصیصه واقعی سبک قرآن یعنی گسسته پیوندی آن اشاره دارد و اینکه به ندرت ترکیب منسجم متحدی را که طول بلند داشته باشد، در آن می‌یابیم. خطاب مربوط به غزوه احد به نظر گسسته می‌آید و اکنون دشوار است که بگوییم کدام قطعات از اواسط سوره آل عمران راجع به آن است. خطاب مربوط به جنگ احزاب و ریشه‌کن‌سازی قبیله بنی قریظه (آیات ۹-۲۷ احزاب) و اطمینان‌بخشی به مسلمانان پس از صلح حدیبیه (آیات ۱۸-۲۹ فتح) از جمله قطعات کاملاً بلندی است که به یک نوبت وحی و یک شأن نزول مربوط است (بل - وات، در آمدی بر تاریخ قرآن، ۱۱۷).

۸. ایگناس گلدزیهر (۱۸۵۰-۱۹۲۱)

ایگناس گلدزیهر، مستشرق مجارستانی صاحب کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» در دهه دوم قرن بیستم این کتاب را به نگارش درآورد. این تألیف بازتاب‌های بسیاری داشته و جنجال‌های زیادی را ایجاد کرد. وی در این کتاب درباره ساختار متن قرآن می‌گوید: «در میان کتاب‌های دینی چنان که گروه‌های مختلف دینی به آن معترف هستند، هیچ کتابی همچون قرآن دچار پریشانی و عدم ثبات از لحاظ نص و متن وجود نداشته است»، (گلدزیهر، گرایش‌های تفسیری در میان مسلمانان، ۲۹-۳۰). وی در ادامه با طرح ادعایی بی‌دلیل و برخلاف روایات تاریخی می‌گوید: «روح یگانه‌ای که خواهان نص یکپارچه‌ای برای قرآن باشد، هیچ‌گاه به وجود نیامد و از طرف مردم نیز مورد حمایت کامل قرار نگرفت مگر در دوران متأخر که شاهد آن هستیم».

وی در کتاب «العقیده والشریعة فی الاسلام» با نقادی هر چه تمام به مطالعه قرآن پرداخته است و با عنوان تفاوت در سیاق آیات آن می‌نویسد: «آیات و سوره‌های مکی از حیث اسلوب از سوره مدنی انسجام و نظم بیشتر و بهتری دارد». او دلیل آن را فراغت و آسودگی خاطر پیامبر ﷺ در مکه و گرفتاری‌های او در مدینه ذکر کرده است.

۹. گوستاولوبون

گوستاولوبون در «تاریخ تمدن اسلام و عرب» می‌گوید: «قرآن که کتاب آسمانی مسلمین است منحصر به دستورات مذهبی تنها نیست، بلکه دستورات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نیز در آن درج است. اگر چه قرآن از جانب خدا نازل شده، لیکن ارتباط بین

اجزای آن با هم، خیلی کم است. کلمات و عبارات آن حیرت‌انگیز لیکن روابط بین غالب مطالب و فقرات آن مقطوع و نیز دلایل منطقی در آن اکثراً غیر مذکور است و یک علت آن هم این است که قرآن روز به روز طبق پیش آمد و احتیاجات وقت بر پیامبر نازل می‌شد. به عبارت دیگر، هر وقت حاجتی پیش می‌آمد و یا با اشکالی بر می‌خوردند، برای رفع آن جبرئیل نازل شده، آیه‌ای می‌آورد و آن فوراً جزء قرآن می‌گردید (گوستاولوبون، تمدن اسلام و عرب، ۱۱۷ و ۱۲۷).

۱۰. آرتور جان آبری

آبری از بزرگ‌ترین و پرکارترین اسلام‌شناسان و قرآن‌پژوهان معروف انگلیسی است که ترجمه‌ای کلاسیک از قرآن به دست داده است. وی در بخشی از مقدمه خود بر ترجمه قرآن، تحلیلی از ناپیوستگی‌های قرآن دارد؛ قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی، بسی به دور است. خواننده قرآن به ویژه اگر ناچار باشد که به یک ترجمه اکتفا کند هر چند که آن ترجمه از نظر زبان شناختی دقیق باشد بی شک از نسج جسته جسته و ناپیوسته بسیاری از سوره‌های قرآن حیران و هراسان خواهد شد. این ناپیوستگی مشهود را غالباً به اشتباه کاری در نسخه برداری کاتبان اولیه نسبت داده‌اند (خرمشاهی، ذهن و زبان حافظ، ۴۸). ولی در ادامه می‌گوید من بر آنم که این بافت طبیعی خود قرآن است... نوسانات ناگهانی محتوا و فحوا اگر با دید و درکی فراگیر نگریده شود، مشکلاتی که بعضی از منتقدان را سرگشته ساخته، به بار نمی‌آورد (همان).

۱۱. جورج سیل (George sale)

سیل درباره ارتباط آیات قرآن می‌گوید: «یک فرد غیرمسلمان که ترجمه قرآن را با دقت بخواند، با کمال بی‌صبری، عدم ارتباط مطالب و رجزخوانی و داستان‌سرایی و حکم و امثال و خطابه و نصایح آن را در ذهن خود می‌سپارد، ولی کم‌ترین انگیزه‌ای که احساساتش را تحریک نماید، در آن نمی‌یابد و فکرش در حال مطالعه، پیوسته در نوسان است. گاهی چنان اوج می‌گیرد که خود را در آسمان و در بین ابرها و نزدیک ستارگان پنهان می‌بیند و زمانی چنان تنزل می‌نماید که مانند حشرات خاکی در میان خاک‌ها می‌خزد... (سلماسی‌زاده، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، ۲۴).

بررسی

در اینجا به نقد شبهات مطرح شده در سخنان مستشرقان می‌پردازیم.

یک. عدم تفکیک نظام گفتاری از نوشتاری

موضوع مهمی که مستشرقان در ارزیابی آیات قرآن از آن غافل شده‌اند، عدم تفکیک نظام گفتاری از نظام نوشتاری است. سخنوری که با مردم سخن می‌گوید و در شرایط و زمان‌ها و مکان‌های متفاوت با مخاطبان گوناگون گفتگو دارد، اسلوب و نظم خاص را باید در گفتار خویش اعمال کند که دقیقاً غیر اسلوب و نظم خاص نوشتاری است که یک نویسنده باید در کتاب و مقاله خویش رعایت نماید. به کار بردن سبک نگارش در گویش و بالعکس اوج کج‌سلیقگی است؛ چرا که هر چیزی به جای خویش نیکوست. قرآن کریم یک کتاب نوشته شده از جانب خدا نیست، بلکه مجموعه دسته‌های آیات نازل شده‌ای است که پیامبر صلی الله علیه و آله به هر مناسبتی، دسته‌ای از آیات را که نازل می‌شد برای مردم قرائت می‌فرمود. پس قرآن نمونه‌ای از یک مجموعه گفتار الهی است و اوج فصاحت و بلاغت آن در این است که شاخصه‌های نظام گفتاری در آن رعایت شده است.

شاخصه‌های نظام گفتاری قرآن کریم

۱- کوتاهی سخن

یک سخنور می‌بایست سخنانش را حتماً کوتاه بیان نماید. میزان کوتاهی سخن را شرایط و حال مخاطبان و خصوصیات زمان و مکان تعیین می‌کند. اما در نظام نوشتاری ضمن اینکه رعایت حال خواننده و شرایط زمان و مکان باید رعایت شود، کوتاهی نوشتار شرط قطعی و دایمی نیست، چرا که نویسنده می‌تواند پیرامون یک موضوع، ده‌ها و صدها و... صفحه مطلب بنگارد. همین ویژگی کوتاهی را می‌توان در آیات مکی قرآن مشاهده کرد؛ زیرا هر دسته از آیات، مرکب از چند آیه معدود می‌باشد که متناسب با شرایط مخاطبان آن آیات بوده است.

۲- ترکیب صوری انواع و گونه‌های مختلف بیان

یک سخنور ماهر حق دارد در گفتار خویش از گونه‌های متعدد صوری برای تفهیم هدفش به مخاطب بهره‌گیرد؛ گاهی به تبیین عقلی اصل موضوع می‌پردازد، گاهی از مبانی

فلسفی استمداد می‌طلبد، گاهی از هنر شعر یا سجع بهره می‌گیرد و گاهی شاهدهی برای اثبات سخنانش از سرگذشت دیگران در تاریخ حکایت می‌کند لذا سخنران اگر اهداف تربیتی داشته باشد، علاوه بر این گونه‌ها گاهی از نصیحت و پند و اندرز استفاده می‌کند، گاهی تشویق می‌کند و به شمردن آثار و نتایج مثبت کار خیر می‌پردازد و گاهی از عواقب سوء اعمال زشت سخن به میان می‌آورد. اگر سخنور، یک حکیم یا پیامبر یا امام و مصلح جامعه باشد، رعایت این اصل و به کارگیری انواع این گونه‌ها به تناسب شرایط برای گفتارش الزامی است، حال اینکه نظام نوشتاری مقید به این خصوصیت‌ها نیست.

قرآن کریم به عنوان یک سمبل «گفتاری» بهترین نمونه‌ای است که می‌توان انواع این صور کلامی را در حد اعلی در آن یافت؛ به سخن دیگر، نمایشگاهی است از به کارگیری انواع فنون گفتاری.

۳- در هم تنیدگی موضوعی

یک سخنور، به ویژه اگر نقش جامع فرهنگی و رسالت تربیتی جامعه‌ای را برعهده داشته باشد، می‌تواند در گفتار خویش موضوعات مختلف را عرضه کند؛ مثلاً اگر افقی از جهان‌بینی صحیح ارایه کند، برهان فلسفی بر آن اقامه نماید، احکام فقهی و تکلیفی خاصی را متناسب با شرایط مخاطبان عرضه کند، وظیفه اخلاقی او را در این رابطه بیان نماید، سخنی از بهشت و جهنم را بر آرد، محبت و نعمت‌های الهی را بر او گوشزد کند و... همه این موضوعات متفاوت که از نظر رشته‌های تقسیم‌بندی علوم جدای از یکدیگرند، اما به نحوی به هم مربوطند. این ویژگی در یک مجموعه گفتاری مانند آیات همجوار قرآن کریم از امتیازات و برتری‌های قابل تقدیر است. در حالی که معمولاً با نظام نوشتاری سازگار نیست؛ زیرا ماهیت سبک نوشتاری بیشتر موضوعات و شرایط خوانندگان کتب اقتضا می‌کند که نویسنده به هیچ وجه از موضوع رشته علمی مربوط خارج نشده و هزار صفحه کتابش را یکنواخت بنگارد.

۴- تکرارهای مشابه و متفاوت

از آنجا که مخاطبان یک گوینده غالباً متغیرند، مانعی ندارد که وی برخی مطالب مطرح شده در سخنرانی قبل را برای مخاطبان جدید در سخنرانی بعد مطرح کند. البته اگر شرایط هر دو گروه مخاطب را یکسان دید، تکرار مشابه قبل را انجام می‌دهد و اگر شرایط

گروه جدید را مغایر دید، به تناسب عناصر جدید، تغییری در تکرار اعمال کرده، گاه آن مطلب را کوتاه‌تر، گاه بلندتر، گاه با افزوده‌های جدید و گاه با کاهش برخی قسمت‌ها ارایه می‌کند. نکته مهم این است که آن موضوع تکراری اگر از مهم‌ترین اهداف سخنران باشد، تکرار موضوع و مطالب گفتاری آن برای او الزامی است.

اهمیت برخی موضوعات باعث می‌شود که گاه سخنران به سبب تأکید بر موضوعی خاص و نشان دادن اهمیت آن حتی برای یک گروه مخاطب، آن را تکرار کند و این تکرار، یک روش پسندیده و راجح و احیاناً لازم است. اصل «رجحان تکرار مهم‌ترین سخن» باعث شده که برخی شعرای بزرگ نیز در برخی قصاید خویش، ترجیع‌بند ساخته و یک مصرع را از آغاز تا پایان آن تکرار کنند. این ویژگی زیبایی ادبی را می‌توان در تکرارهای قرآن ملاحظه کرد؛ چه بسا نکات تربیتی و اخلاقی متنابهی در اثر این تکرارها عاید خواننده قرآن می‌شود و بهره بیشتری از آن می‌برد.

دو. تنوع مطالب از ویژگی‌های نظم قرآن

قرآن غالباً به مناسبتی از موضوعی به موضوع دیگر منتقل می‌شود. چه بسا گاهی یک رشته مطالب متنوع را به منظور پند و اندرز، بیدار کردن وجدان‌ها و فطرت‌ها و راهنمایی عقل و خردها در یک سوره متذکر می‌گردد و همه را در کنار هم قرار می‌دهد و چه بسا انسان در ابتدا تصور می‌کند که میان مطالب یک سوره پیوستگی کاملی وجود ندارد، اما پس از دقت روشن می‌شود که میان آنها یک نوع ارتباط و پیوستگی خاصی وجود دارد که سبب شده همگی در کنار یک‌دیگر قرار گیرند که از این مطلب با عنوان اهداف سوره‌ها یاد می‌شود (ر.ک: اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن، دکتر شحاته؛ سیمای سوره‌های قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی). هدایت افکار و رهبری فطرت‌ها، بیدار ساختن افکار و وجدان‌های خفته و اهمیت موضوع ایجاب می‌کند که از یک موضوع در موارد مختلفی به طور مکرر سخن به میان آید؛ زیرا بدون یادآوری‌های مکرر مقاصد یاد شده به دست نمی‌آید. از این نظر، عواملی ایجاب می‌کند که قرآن بسیاری از نکات اجتماعی و اخلاقی را در موارد متعدد متذکر گردد؛ از این رو، چنین تکراری نه تنها عیب نیست، بلکه پایه بلاغت و اساس سخن گفتن طبق مقتضیات کلام است.

چه بسا قرآن از یک موضوع وسیع و گسترده فقط قسمتی را متذکر شده و باقی مانده یا همه را به طور جامع در مورد دیگر نیز می آورد. قرآن در نقل سرگذشت اقوام (مثل عاد و ثمود) از این روش پیروی نموده است. این روش برای قرآن به حکم اینکه کتاب هدایت و یادآوری است، ضروری می باشد.

قرآن در طرح مفاهیم عقلی و بلند خود، استعداد، شایستگی و تکامل فکری جامعه را در نظر گرفته و دلایل عقلی و استدلال فلسفی مربوط به یک موضوع را یک جا متذکر نشده است، بلکه در هر موقع به مناسبتی، از یک موضوع عقلی سخن به میان می آورد و به بیان نکته ای یا دلیلی از دلایل متعدد آن می پردازد و بیان باقی مانده نکات و دلایل را به صورت تدریجی در سوره های دیگر متذکر می گردد (سبحانی، منشور جاوید، ۱/ ۲۲-۲۳).

سه. تغییر ناگهانی سیاق؛ ظرافتی ادبی و هنری در بیانات قرآن

یکی از ظرافت های ادبی و هنری در بیانات قرآن، تغییر ناگهانی سیاق است؛ مثلاً در جمله ای که چندین کلمه با اعراب رفع آمده، در اثنای کلام، کلمه ای با اعراب نصب ذکر می شود تا خواننده را متوقف کرده، به تأمل وادارد؛ مانند آیه ۱۶۲ سوره نساء که می فرماید:

﴿لَكِنَّ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أُولَئِكَ سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا﴾؛ زیرا در این آیه کریمه، میان چهار وصف، که سیاق ادبی آنها مرفوع بودن است یعنی دو وصف مقدم (راسخون و مؤمنون) و دو وصف مؤخر (مؤتون و مؤمنون)، یک وصف منصوب یعنی وصف «مقیمین» دیده می شود تا توجه متدبران در قرآن و تالیان کتاب الهی را به اهمیت نماز که ستون دین است، جلب نماید؛ همان طور که در نوشتن تابلوها برخی از کلمات مانند واژه «شهید» با رنگ سرخ نوشته می شود تا توجه بیننده را به خود جلب کند. پس گاهی با تغییر اسلوب و تعویض سیاق، به ویژگی محتوایی لفظ توجه داده می شود (جوادی آملی، تسنیم، ۱/ ۵۲).

علل پراکندگی ظاهری موضوعات آیات قرآن

فصاحت و بلاغت بی نظیر قرآن در حدی است که دسترسی به ابعاد آن برای همه امکان پذیر نیست. قرآن علاوه بر انتشار در میان مسلمانان، بین مشرکان و معاندان اسلام نیز

رواج داشت. در زمانی که شاعران و ادیبان زیادی پرورش یافته و فصاحت و بلاغت در اوج کمال قرار داشت، بزرگ‌ترین ادیبان اعتراف می‌کردند که قرآن از چنان نظم و ساختاری برخوردار است که دیگران از آوردن مانند آن عاجزند و ناچار شدند که آن را سحر و جادو معرفی نمایند. با این حال، چنان که گذشت دیده می‌شود که برخی مستشرقان قرآن را در مقایسه با کتاب‌های معمولی به صورت مجموعه‌ای جنگ مانند و محتوای آن را گسسته و فاقد تناسب بر شمرده‌اند. به هر تقدیر، باید دانست که پراکنده به نظر آمدن آیات قرآن، دلایلی داشته است که مغفول واقع شدن این علل، باعث اعتراف به گسسته‌نمایی آن شده است. در اینجا به برخی از آن علل اشاره می‌کنیم.

۱- روش مزجی قرآن در بیان مطالب

یکنواخت بودن مطالب و حفاظت نویسنده یک متن بر ادامه یک موضوع همچون نگاشته‌های ریاضی، فیزیک، شیمی و... بالطبع برای خواننده عادی خسته‌کننده و ملال‌آور است. گرچه متخصصان هر یک از فنون به سبب عنایت خاص به موضوع علمی مورد نظر خویش، شیفته افزایش معلومات خویش‌اند و اگر متنی علمی را بارور ببینند، خسته نخواهند شد، ولی خوانندگان عادی از خواندن آنها خسته می‌شوند. اما کتابی که مطالب متنوع را اعم از علمی، عقیدتی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی، تاریخی با پیوند خاصی به هم آمیخته تا همه بخش‌های متنوع آن با آهنگ واحد، خواننده را به سوی هدف خاصی سوق دهد، دارای جذابیت و طراوت خاص خود است.

چنین ویژگی‌هایی که در متن قرآن، آشکارا قابل رؤیت است و یکی از موجبات امتیاز سبک قرآن از کتاب‌های نگاشته بشر می‌باشد، این توهم را در ذهن برخی افراد نشانده که قرآن در بیان خود دچار پراکنده‌گویی است. بدیهی است که چنین پنداری با وضعیت ناسازگار است؛ زیرا گرچه هر کدام از سوره‌ها از موضوعات به ظاهر متفاوتی سخن گفته‌اند، ولی در درون خود محوری مخصوص شکل داده‌اند که کلیه موضوعات مطرح در آن در خصوص محور اساسی بحث، معنایی ویژه افاده می‌کنند. بر همین اساس، موضوع تکرار در قرآن می‌تواند این گونه توجیه شود که آیات تکراری در هر موضوع، وظیفه خاصی غیر از رسالتی که در دیگر جاها دارند، بر عهده گرفته‌اند و در عین حال در بلندای بلاغت، معنای مشخصی به ذهن انتقال می‌دهند (سبحانی، منشور جاوید، ۲۲/۱-۲۳)؛ زمانی، مستشرقان و قرآن، ۳۱۰).

امام خمینی رحمته الله علیه، از عالمان و مفسران بزرگ اسلامی در قرن معاصر، در یکی از آثار قلمی خود، تعلیم، تربیت، انذار و تبشیر را یکی از علل بیانات متشمت و عبارات مختلف دانسته و فرموده‌اند: «کسی که بخواهد تربیت و تعلیم، انذار و تبشیر کند، باید مقاصد خود را با عبارات مختلفی و بیانات متشمته، گاهی در ضمن قصه و حکایت و گاهی در ضمن تاریخ و نقل و گاهی به صراحت لهجه، گاهی به کتابت و امثال و رموز تزریق کند تا نفوس مختلفی و قلوب متشمته، هر یک بتواند از آن استفاده کند... و چون این کتاب شریف (قرآن) برای سعادت جمیع طبقات و قاطبه سلسله بشر است و... نوع انسانی در حالات قلوب و عادات و اخلاق و ازمنه و امکانه مختلف هستند، همه را نتوان به یک طور دعوت کرد؛ ای بسا نفوسی که برای اخذ تعلیم، به صراحت لهجه و القای اصل مطلب به طور ساده حاضر نباشد و از آن متأثر نگردند، با اینها باید به طور ساختمان دماغ آنها دعوت کرد و مقصد را به آنها فهمانید و بسا نفوسی که با قصص و حکایت و تواریخ سروکار ندارند و علاقه‌مند به لب لباب مقاصدند، اینها را نتوان با دسته اول در یک ترازو گذاشت... از این جهت است که این کتاب شریف به اقسام مختلفی و فنون متعدده و طرق متشمته مردم را دعوت فرموده است» (امام خمینی، آداب الصلوة، ۱۸۷؛ آریان، زبان قرآن، ساختار و ویژگی‌ها، مجله معرفت، ۳۵ / ۲۱).

آیت الله خویی در «البیان فی تفسیر القرآن» به تحلیل چرایی عدم دسته‌بندی موضوعی در قرآن پرداخته، می‌گویند: قرآن کتاب هدایت است و برای سوق دادن بشر به سوی سعادت دنیا و آخرت نازل گردیده و یک کتاب فقهی، تاریخی و اخلاقی و مانند آن نیست تا برای هر موضوعی باب مستقلی ترتیب بدهد. جای تردید نیست که اسلوب فعلی قرآن بهتر می‌تواند مقصود و هدف هدایتی و اثرگذاری آن را تأمین نماید و نتیجه بخش گردد؛ زیرا اگر کسی تنها بعضی از سوره‌های قرآن را بخواند، در مدت کم و بدون زحمت و مشقت به مقاصد زیاد قرآن پی می‌برد و با هدف‌های آن آشنا می‌گردد و در ضمن یک سوره می‌تواند به مبدأ و معاد متوجه گردد؛ و از تاریخ گذشتگان اطلاع حاصل نماید و از سرگذشت آنها عبرت بگیرد و از طرف دیگر، از اخلاق نیکو و تعالیم و برنامه‌های عالی بهره‌مند شود و باز در ضمن همان یک سوره می‌تواند قسمتی از احکام و دستورات قرآن را درباره عبادات و معاملات فرا بگیرد. آری، همه این مطالب مختلف را می‌توان از یک سوره به دست آورد، ولی در عین حال لطمه‌ای بر نظم کلام وارد نیامده و در تمام مراحل، تناسب در گفتار و اقتضای حال رعایت گردیده و حق بیان ادا شده است.

اما اگر قرآن به صورت ابواب منظم بود، این همه فایده به دست نمی‌آمد و این چنین نتیجه بخش نمی‌گردید و خواننده قرآن در صورتی می‌توانست با اهداف و مقاصد عالی آن آشنا گردد که تمام قرآن را بخواند. ممکن بود که در این بین مانعی پیش آید و به خواندن تمام قرآن موفق نگردد و به نتیجه کمتری دست یابد.

به راستی این روش یکی از مزایا و محسنات اسلوب قرآن است که به قرآن زیبایی و طراوت خاصی بخشیده است؛ زیرا قرآن در عین پراکنده‌گویی و بیان مطالب مختلف، باز از کمال ارتباط و تناسب برخوردار بوده و جملات آن به مانند دُرهای گران‌بهایی که با تناسب خاصی به رشته درآمده است، در کنار هم چیده شده و با نظم اعجاب‌انگیزی به هم متصل و مرتبط می‌باشد (خویی، البیان، ۹۲-۹۳).

با این طرز تلقی، کسانی در میان دانشمندان اسلامی کوشیده‌اند سوره‌ها را به صورت مجموعی بررسی و تحقیق کنند. اینان با نگاه تازه‌ای که از این دریچه به حقایق قرآنی دوخته‌اند، توانسته‌اند به نتیجه‌ها و آثار گرانباری دست یابند. [۱]

۲- نزول تدریجی آیات قرآن

از مسلمات تاریخ و علوم حدیث، نزول تدریجی آیات قرآن کریم است که در طول ۲۳ در مکه و مدینه و در شرایط مختلف بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

به طور کلی نزول آیات و سوره‌ها به دو صورت بوده است.

اول. بسیاری از آیات و سوره‌ها ابتدائاً و بدون اینکه مسبوق به علت و انگیزه خاصی باشد، نازل شده‌اند و به هیچ حادثه یا پرسشی که همزمان با نزول وحی روی داده باشد، مربوط نیستند، بلکه سبب و انگیزه عام، یعنی نیاز انسان‌ها به رهنمودهای الهی، سبب نزول بوده است تا انسان‌ها از این طریق، حق را از باطل تشخیص داده به سعادت برسند. این نوع از آیات که بخش زیادی از قرآن را فرا می‌گیرد، شامل تاریخ زندگانی و حوادث و رویدادهای مربوط به امت‌های گذشته، اخبار غیبی و ترسیم بهشت و جهنم، حالات روز قیامت، گزارش احوال بهشتیان و دوزخیان، بیان حال مشرکان، مؤمنان و منافقان و... می‌باشد.

دوم. آیات و سوره‌هایی که سبب نزول خاصی دارند. این سبب نزول مشخص گاه حادثه‌ای است جالب یا سخت و گاه پرسش‌هایی است که مردم با رسول خدا صلی الله علیه و آله در میان می‌نهادند. زمانی هم اوضاع و شرایطی برای مسلمانان پدید می‌آمد که لازم بود چگونگی

عمل و موضع گیری آنها در برابر این اوضاع و مسائل مشخص گردد. در این احوال، آیات و سوره‌هایی فرود می‌آمد و وضعیت مسلمانان را روشن می‌کرد (ر.ک: حجتی، اسباب النزول، ۱۹-۲۰).

در هر صورت، در کنار اعتقاد به نزول تدریجی آیات، این تصور ایجاد شده است که آیات قرآن بعد از وفات حضرت رسول صلی الله علیه و آله توسط صحابیان تنظیم شده است و از آنجا که قرآن به سبب عوامل گوناگون و در وقایع مختلف فرود آمده، فاقد هر گونه ارتباط بوده است؛ بنابراین، هیچ وحدتی در سوره‌ها وجود ندارد (بقایی، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، ۷/۱؛ سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ۳ و ۳۷۰/۴؛ زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۶۳/۱).

دکتر عبد الله دراز در بیان موضع خود نسبت به این رأی سست می‌نویسد: «این تفسیرهای سطحی و پندار گونه را نباید در خور اعتنا دانست؛ زیرا طبق حدیث صحیح، سوره‌های قرآن کریم همزمان با حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله تنظیم شده است و چنین هیأت و ترکیبی در زمان زندگانی حضرت وجود داشته است؛ بنابراین، بی‌هیچ تردیدی روشن است که یک طرح و نقشه‌پردازی واقعی جهت تعیین حد و مرز سوره موجود بوده و این طرح و برنامه برای هر یک از سوره‌ها به روشنی، دیباچه، موضوع و خاتمه‌ای شکل داده است» (دراز، مدخل الی القرآن الکریم، ۱۱۸-۱۱۹).

باید توجه داشت سخنانی که نسبت به تناسب آیات در قرآن از سوی مستشرقان بیان شده، از آنجا سرچشمه گرفته که آنان با معیار نظم و ترتیب مطالب در کتاب‌های نگاشته بشری به سراغ مفاهیم قرآنی رفته‌اند و آنها را مورد سنجش و ارزیابی قرار داده‌اند. بر همین اساس، به خود اجازه داده‌اند تا در زمینه تعیین جایگاه واقعی آیات به اظهار نظر بپردازند. به هر حال، بلاشر خود تصریح کرده که اعتماد مطلق به روش انتقادی و استنتاج اینکه تسلسل مطلب خوب رعایت شده یا نه، با منطق غربی سازگار نیست تا چه رسد با منطق انسانی (فقهی‌زاده، پژوهشی در نظم قرآن، ۱۵۳).

۳- غفلت از زمینه‌ها و اسباب نزول

دسته‌ای از آیات و سوره‌ها به دنبال حادثه‌ای که اتفاق افتاده، واقعه‌ای که رخ داده یا پرسشی که مطرح شده، برای رفع ابهام آن حادثه و واقعه یا پاسخ به آن پرسش و نیز بیان احکام مربوط به آن فرود آمده است. روشن است که برای فهم این دسته از آیات و

سوره‌ها، آگاهی از اسباب نزول آن لازم است. این یک اصل عقلایی است. به همین دلیل، مفسران و دانشمندان علوم قرآنی بر نقش مهم آن در کمک به فهم آیات یادآور شده‌اند. طبعاً در این گونه موارد باید تنها اسباب نزولی مدنظر قرار گیرد که اولاً صحت انتساب آنها به معصوم علیه السلام به اثبات رسیده باشد و ثانیاً با محتوای قرآن ناسازگار و ناهماهنگ نباشد؛ زیرا گاهی عدم توجه و نادیده گرفتن زمینه‌ها و اسباب نزول، موجب پدید آمدن مشکلاتی در فهم ارتباط و تناسبات آیات قرآن می‌شود.

این مشکلات گاه نسبت به معنی دقیق یک آیه رخ می‌دهد؛ آنجا که برخی گمان رود که میان صدر و ذیل آیه تناسب معنایی وجود ندارد؛ برای نمونه، برخی افراد درباره آیه *﴿وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ﴾* (نساء / ۳) بنابر روایتی نوشته‌اند رعایت عدالت درباره یتیمان به ازدواج با زنان شباهت ندارد تا میان آنها تقارن ایجاد نمود و هر دو در یک آیه در کنار هم بیایند. با وجود این، دو موضوع کاملاً بی‌ربط، در آیه سوره نساء در کنار یکدیگر نهاده شده و با فاء نتیجه به هم اتصال یافته است. این وضعیت نشان می‌دهد که حتماً دست تحریفی دخالت داشته که آیه را این گونه ظاهر ساخته است. اما با توجه به آیه قبل *﴿وَأَتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ﴾* باید دانست، مسأله مورد بحث در آیه *﴿وَإِنْ خِفْتُمْ﴾* موضوع ستم بر دختران یتیمی است که پس از کشته شدن پدرانشان در جنگ‌ها به نحوی تحت تکفل دیگران قرار گرفته‌اند. منظور این است که اگر نتوانستید نسبت به دختران یتیمی که تحت تکفل شما قرار دارند به عدالت رفتار کنید و در صورت زناشویی با آنها مهرشان را به خودشان پردازید، زنان دیگری را به همسری اختیار کنید که دیگر ستمی بر آنها نرود و مردانی دیگر آنها را به همسری برگزینند که مهرشان را به آنها پرداخت نمایند (طبرسی، مجمع‌البیان، ۳ و ۱۰/۴-۱۱؛ زمخشری، الکشاف، ۱/۴۹۷؛ طباطبایی، المیزان، ۴/۱۶۶).

گاهی نادیده انگاشتن زمینه نزول آیات موجب شده است تا در دریافت معنی صحیح آیه که به تناسب صدر و ذیل آن مربوط است، اشتباه پیش آید؛ برای نمونه، تعدادی از مسلمانان صدر اسلام، شرب خمر را مباح دانستند و برای اثبات سخن خویش به آیه *﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَآمَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾* (مائده / ۹۳) استشهاد کردند.

میبدی در این باره می نویسد: در روزگار عمر، قدامه بن مظعون می خورد. عمر خواست که وی را حد زند. قدامه گفت: شما را نیست که مرا حد زنید که الله می گوید: ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا﴾ و من از جمله مؤمنانم و در بدر بوده‌ام. عمر گفت: راه غلط کردی و گمانت خطاست که رب العالمین گفت: «اذا ماتقوا و آمنوا» و تقوی آن است که آنچه خدا حرام کرد از آن پرهیزی و گرد آن نگردی. علی بن ابیطالب گفت: یا عمر من از نزول این آیت خبر دارم، چون رب العالمین خمر حرام کرد، جماعتی از مهاجر و انصار پیامدند و گفتند: یا رسول الله! برادران ما و پدران ما که در بدر بودند و در احد کشته شدند ایشان در آن حال می همی خوردند، چه گویی در ایشان؟ و چه حکم کنی از بهر ایشان؟ رسول خدا توقف کرد تا جبرئیل آمد و آیت آورد: ﴿لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا﴾. پس عمر بفرمود و قدامه را حد مفتری بزدند و گفتند: «ان شارب الخمر اذا شرب انتشى واذا انتشى هذى واذا هذى افترى فيقم عليه حد المفتري ثمانين جلده» (میبدی، کشف الاسرار و عده الابرار، ۳/ ۲۲۷)؛ یعنی شرابخوار وقتی شراب بنوشد، مست می شود و وقتی مست شد، یاوه می گوید و وقتی یاوه گویی نمود، افترا و تهمت می زند و وقتی بدین کار دست زد، حد مفتری (هشتاد ضربه تازیانه) در مورد او جاری می شود. عوامل دیگری از دلیل پراکندگی ظاهری آیات برشمرده‌اند؛ عواملی از قبیل نادیده گرفتن حذف و ایصال‌ها در جمله‌بندی‌های قرآن، ترجمه‌های لفظ به لفظ، طولانی شدن مطالب تفسیری در متون تفسیر (فقهی‌زاده، پژوهشی در نظم قرآن، ۱۵۸).

نتیجه

بر اساس آنچه ذکر شد، قرآن کریم از تناسب و پیوستگی در آیات برخوردار است و پراکندگی ظاهری برخی آیات که برخی از مستشرقان مطرح کرده‌اند نتیجه نادیده گرفتن سبک و اسلوب ویژه قرآن است.

پی‌نوشت

[۱] برای اطلاع از چگونگی این آثار، ر.ک: محمود شلتوت، الی القرآن الکریم؛ شحاته، اهداف و مقاصد سوره‌های قرآن، ترجمه محمد باقر حجتی؛ عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و محمد باقر حجتی، تفسیر کاشف؛ سعید حوی، الاساس فی التفسیر؛ محمود حجازی، الوحده الموضوعیه؛ به نقل از: فقهی‌زاده، پژوهشی در نظم قرآن، ص ۱۴۸.

فهرست منابع

۱. آربری، آرتون جان، خدمت و خیانت مترجمان قرآن نقدی بر عملکرد مترجمان اروپایی، ترجمه محمد رسول دریایی، اندیشه اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
۲. بدوی، عبدالرحمان، دایرة المعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، تهران، روزنه، ۱۳۷۷ ش.
۳. بقاعی، برهان الدین، نظم الدرر فی تناسبات الآيات و السور، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۴. بل ریچارد - وات موننگمیری، درآمدی بر تاریخ قرآن، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، قم، مرکز ترجمه قرآن مجید به زبانهای خارجی، ۱۳۸۲ ش.
۵. بلاشر، رژی، در آستانه قرآن، ترجمه محمود رامیار، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۶. ———، درآمدی بر قرآن، ترجمه اسد الله مبشری، تهران، نشر ارغنون، ۱۳۷۲ ش.
۷. بی آزار شیرازی، عبد الکریم، قرآن ناطق، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۷۸ ش.
۹. حاجتی، محمد باقر، اسباب النزول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۱۰. خرمشاهی، بهاءالدین، ذهن و زبان حافظ، تهران، مهارت، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخویی (ره)، بی تا.
۱۲. دراز، عبدالله، مدخل الی القرآن الکریم، الکویت، دارالقلم، ۱۴۱۴ ق.
۱۳. زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، بیروت، دارالفکر، ۱۹۸۸ م.
۱۴. زمانی، محمد حسن، مستشرقان و قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش.
۱۵. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، تهران، آفتاب، بی تا.
۱۶. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، موسسه الامام الصادق علیه السلام، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. سلماسی زاده، جواد، تاریخ ترجمه قرآن در جهان، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹ ش.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بی جا، منشورات الرضی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ش.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان لعلوم القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۶ ق.
۲۱. علی الصغیر، محمد حسین، المستشرقون و الدراسات القرآنیه، بیروت، دار المورخ العربی، ۱۴۲۰ ق.

۷۶ / قرآن پژوهی خاورشناسان، سال هفتم، شماره ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۹۱ ش

۲۲. _____، خاورشناسان و پژوهش های قرآنی، ترجمه محمد جواد شریعت، تهران، مطبع الفجر، ۱۳۷۲ ش.
۲۳. فقهی زاده، عبد الهادی، پژوهشی در نظم قرآن، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، ۱۳۷۴ ش.
۲۴. قانع اردکانی، علی، تناسب آیات قرآن و شبهات مستشرقان، پایان نامه
۲۵. گلدزیهر، ایگناس، گرایش های تفسیری در میان مسلمانان، ترجمه ناصر طباطبایی، تهران، ققنوس، ۱۳۸۳ ش.
۲۶. _____، مذاهب التفسیر الاسلامی، عبدالحلیم النجار، بیروت، داراقرأ، ۱۴۰۵ ق.
۲۷. گوستاولویون، تمدن اسلام و عرب، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامی، [۱۳۴۷ ش].
۲۸. مجله رساله الاسلام، مقالات من زلات المستشرقین در دوره قاهره.
۲۹. آریان، حمید، زبان قرآن ساختار و ویژگی ها، مجله معرفت، ش ۳۵، مرداد و شهریور ۱۳۷۹.
۳۰. معرفت، محمد هادی، شبهات و ردود، قم، مؤسسه التمهید، ۱۴۲۳ ق.
۳۱. میبیدی، رشیدالدین، کشف الاسرار و عده الابرار، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ ش.
۳۲. وات، موننگمری، برخورد آرای مسلمانان و مسیحیان، تفاهمات و سوء تفاهمات، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۲ ش.